

سوره شعراء

شماره: ۲۶
محل نزول: مکه

جزء: ۱۹
ترتیب نزول: ۴۷

تعداد آیه: ۲۲۷

ahlolbait.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش
همیشگی.

طسم

طسم (۱)

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ

این است آیات [با عظمت این] کتاب روشنگر. (۲)

لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ

شاید تو می خواهی برای اینکه آنان ایمان نمی آورند، خود را
از شدت اندوه هلاک کنی! (۳)

إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا
خَاضِعِينَ

اگر بخواهیم، معجزه ای بزرگ از آسمان بر آنان نازل
می‌کنیم که فروتنانه و بی اختیار در برابرش گردن نهند، (۴)

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرِ مِنَ الرَّحْمَنِ مُحَدَّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ
مُعْرِضِينَ

هیچ [مایه] تذکر جدیدی از سوی [خدای] رحمان برای
آنان نمی آید، مگر آنکه از آن روی گردان می شوند. (۵)

فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَاتِهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

همانا [آیات و وعده های ما را] تکذیب کردند [تا جایی که آنها را به مسخره گرفتند] پس به زودی خبرهای [مهم] آنچه که آن را مسخره می کردند [از حَقانیت آیات، وعده های ما و تحقق عذاب های دنیایی و آخرتی] به آنان می رسد. (۶)

أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ

آیا [با تأمل] به این زمین ننگریستند که در آن چه بسیار از هر

نوع [گیاهان و درختان] نیکو رویانندیم؟ (۷)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً^ط وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

یقیناً در این [رویاندن انواع نباتات] نشانه ای است [بر قدرت، ربوبیت خدا و اینکه مردگان را زنده می کند] ولی بیشترشان [به خاطر رسوخ کبر و لجاجت در باطنشان] ایمان آور نبوده و نیستند. (۸)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر مهربان

است. (۹)

وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ أَنْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

[یاد کن] هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا داد که خود

را به قوم ستمکار برسان. (۱۰)

قَوْمَ فِرْعَوْنَ ۗ أَلَا يَتَّقُونَ

[به سوی] قوم فرعون [که به آنان بگویی:] آیا [از سرانجام شرک و

طغیان که خشم و عذاب خداست] نمی پرهیزید؟! (۱۱)

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ

گفت: پروردگارا! به راستی می ترسم مرا تکذیب کنند، (۱۲)

وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَىٰ هَارُونَ

و سینه ام [از این وظیفه سنگین] تنگی می کند، و زبانم روان و گویا نمی شود، پس به سوی هارون هم [پیام نبوت] بفرست [تا مرا در این وظیفه سنگین یاری دهد.] [۱۳]

وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ

و آنان را بر من ادعای جرمی است که می ترسم [به سبب

آن] مرا بکشند. (۱۴)

قَالَ كَلَّا ۖ فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا ۖ إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ

[خدا] گفت: این چنین نیست [که فرعون بر تو پیروز شود] پس شما دو نفر معجزات ما را ببرید که یقیناً ما همراه شما شنونده [گفتار هر دو طرف] هستیم [پس شما دو نفر را بر پایه دلیل و برهان و معجزه بر آنان پیروز می کنیم.] (۱۵)

فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ

بنابراین خود را به فرعون برسانید و بگویید: یقیناً ما فرستاده

پروردگار جهانیانیم. (۱۶)

أَنْ أَرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ

با این وصف، بنی اسرائیل را [آزاد کن و] با ما بفرست.

(۱۷)

قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ

[فرعون] گفت: آیا ما تو را در کودکی در میان خود نپروراندیم، و

سالیانی چند از عمر خود در میان ما درنگ نکردی؟ (۱۸)

وَفَعَلْتَ فَعْلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ

و آن کارت را که کردی، کردی در حالی که از ناسپاسان

[زحمات و نعمت های ما] بودی. (۱۹)

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ

گفت: آن را در آن زمان در حالی انجام دادم که بی خبر از این
واقعه بودم [که با مشیت من در دفاع از مظلوم، آن مرد قبطی کشته
می شود.] (۲۰)

فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي
مِنَ الْمُرْسَلِينَ

چون از شما ترسیدم از دستتان گریختم، پس [با این گریز از
عرصه زندگی ظالمانه شما این شایستگی را یافتم که] پروردگارم
به من حکمت بخشید، و مرا از پیامبران قرار داد. (۲۱)

وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ

آیا اینکه بنی اسرائیل را به بردگی گرفته ای نعمتی است که

منتش را بر من می نهی؟! (۲۲)

قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ

فرعون گفت: پروردگار جهانیان چیست؟ (۲۳)

قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ
مُوقِنِينَ

گفت: اگر باور می کنید همان پروردگار آسمان ها و زمین و
آنچه میان آنهاست. (۲۴)

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ

[فرعون از روی مسخره] به افراد پیرامونش گفت: آیا

نمی شنوید [که چه می گوید؟!] (۲۵)

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ

[موسی] گفت: [او] پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین

شماست. (۲۶)

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ

[فرعون] گفت: این پیامبرتان که به سوی شما فرستاده اند،

حتماً مجنون است! (۲۷)

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ

[موسی] گفت: پروردگار مشرق و مغرب و آنچه میان

آنهاست، اگر می اندیشید. (۲۸)

قَالَ لئنِ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ

[فرعون] گفت: اگر معبودی جز من بگیری، قطعاً تو را از زندانیان

[که زیر سخت ترین شکنجه اند] قرار خواهم داد. (۲۹)

قَالَ أَوْلُوْ جِنَّتِكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ

[موسی] گفت: آیا اگر [بر صدق نبوتم] معجزه آشکاری

برایت آورده باشم [باز هم مرا به زندان می افکنی؟] (۳۰)

قَالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

گفت: اگر راستگویی آن را بیاور. (۳۱)

فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ

پس عصایش را انداخت و ناگهان ازدهایی حقیقی نمایان

شد، (۳۲)

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ

و دستش را [ازگریبانش] بیرون آورد و ناگهان برای بینندگان

سپید و روشن بود. (۳۳)

قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ

[فرعون] به سران و اشراف پیرامونش گفت: یقیناً این

جادوگری بسیار ماهر و داناست! (۳۴)

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ

می خواهد با جادویش شما را از سرزمینتان بیرون کند، پس

شما چه نظر می دهید؟ (۳۵)

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ

گفتند: کار او و برادرش را به تأخیر انداز و گروهی گردآورنده

را به شهرها روانه کن، (۳۶)

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَابٍ عَلِيمٍ

تا هر جادوگر کاردان بسیار دانایی را نزد تو آورند. (۳۷)

فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ

پس همه جادوگران را در وعده گاه روزی معین گرد آوردند،

(۳۸)

وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ

و به همه مردم گفتند: آیا شما هم اجتماع خواهید کرد؟

(۳۹)

لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِن كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ

به امید آنکه اگر جادوگران پیروز شدند، از آنان پیروی کنیم.

(۴۰)

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّا لَنَا أَجْرًا إِن كُنَّا
نَحْنُ الْغَالِبِينَ

پس هنگامی که جادوگران آمدند، به فرعون گفتند: آیا اگر ما پیروز شویم، حتماً برای ما پاداشی شایسته خواهد بود؟ (۴۱)

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

گفت: آری، و در آن صورت مسلماً از مقربان [درگاه]

خواهید شد. (۴۲)

قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ

موسی به جادوگران گفت: بیفکنید آنچه را قصد دارید،

بیفکنید. (۴۳)

فَأَلْقُوا حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ
الْغَالِبُونَ

پس ریسمان ها و عصاهایشان را افکندند، و گفتند: به عزت
فرعون سوگند که به راستی ما به طور مسلم پیروزیم. (۴۴)

فَأَلْقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ

پس موسی عصایش را افکند، ناگاه آنچه را جادوگران با
نیرنگ [و به صورت غیر واقعی] ساخته بودند، بلعید. (۴۵)

فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ

پس جادوگران [از هیبت و عظمت این معجزه که یافتند
کاری خدایی است نه جادویی] به سجده افتادند. (۴۶)

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

گفتند: ما به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم، (۴۷)

رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ

پروردگار موسیٰ و ہارون. (۴۸)

قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ
 السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۚ لَا قُطْعَنَ أَيَّدِيكُمِ وَأَرْجُلَكُم مِّنْ
 خِلَافٍ وَلَا أُصْلَابِكُمْ أَجْمَعِينَ

فرعون گفت: پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید، حتماً او بزرگ
 شماست که جادوگری را به شما آموخته است، پس به زودی خواهید دانست که مسلماً
 دست‌ها و پاهای شما را یکی از راست و یکی از چپ قطع خواهم کرد، و یقیناً همه
 شما را به دار خواهم آویخت. (۴۹)

قَالُوا لَا ضَيْرَ ۗ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ

گفتند: [در این شکنجه و عذاب] هیچ زیان و باکی [بر ما] نیست، یقیناً ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم، (۵۰)

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ

قطعاً ما امیدواریم که چون نخستین ایمان آورندگان [از این

قوم] بودیم، پروردگارمان خطاهای ما را بیامرزد. (۵۱)

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ

و به موسی وحی کردیم که بندگان مرا شبانه کوچ بده که
حتماً دشمنان از پی شما خواهند آمد. (۵۲)

فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنَ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ

پس فرعون گروهی گردآورنده را [برای جمع کردن نیرو] به

شهرها فرستاد (۵۳)

إِنَّ هُوَ لَأَعْلَمُ
بِشِرْكِكُمْ قَلِيلٌ

[و گفت:] مسلماً اینان [که بر ضد من برخاسته اند] گروهی

اندکند، (۵۴)

وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ

و همانا ما را همواره [با اعمالشان] به خشم می آورند، (۵۵)

وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَازِرُونَ

و ما گروهی هوشیار و آماده باش و مہیای دفاعیم. (۵۶)

فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

پس ما آنان را [به دنیال بنی اسرائیل] از باغ ها و چشمه سارها [که

نعمت های ما در سرزمین مصر بود] بیرون کردیم. (۵۷)

وَکُنُوزٍ وَمَقَامٍ کَرِيمٍ

واز گنج ها و مکان های نیکو [وقصرهای باشکوه بیرون

کردیم]. (۵۸)

كَذٰلِكَ وَاَوْرَثْنٰهَا بَنِيۤ اِسْرٰئِيْلَ

این گونه [نعمت های خود را از چنگ آنان بیرون آوردیم] و

آنها را به بنی اسرائیل به میراث دادیم. (۵۹)

فَاتَّبِعُوهُمْ مُشْرِقِينَ

فرعونیان هنگام طلوع آفتاب آنان را دنبال کردند. (۶۰)

فَلَمَّا تَرَاءَى الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرِكُونَ

چون آن دو گروه یکدیگر را دیدند، اصحاب موسی گفتند:

حتماً ما به چنگ آنان خواهیم افتاد. (۶۱)

قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ

موسی گفت: این چنین نیست، بی تردید پروردگارم با من
است، و به زودی مرا هدایت خواهد کرد. (۶۲)

فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ ۖ فَانْفَلَقَ
فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ

پس به موسی وحی کردیم که عصایت را به این دریا بزن. [موسی
عصایش را به دریا زد] پس [دریا] از هم شکافت و هر پاره اش
چون کوهی بزرگ بود. (۶۳)

وَأَزَلَفْنَا ثَمَّ الْآخِرِينَ

و آن گروه دیگر را [هم در آنجا] به دریا نزدیک کردیم، (۶۴)

وَأَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ

و موسی و هر که با او بود، همه را نجات دادیم. (۶۵)

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ

آن گاه آن گروه دیگر را غرق کردیم. (۶۶)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً^ط وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

بی تردید در این سرگذشت عبرتی بزرگ وجود دارد، و [قوم

قبطی] بیشترشان مؤمن نبودند. (۶۷)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهربان

است. (۶۸)

وَآتُوا عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ

و سرگذشت مهم ابراهیم را بر آنان بخوان، (۶۹)

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ

هنگامی که به پدرش و قومش گفت: چه چیز را می پرستید؟

(۷۰)

قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُّ لَهَا عَاكِفِينَ

گفتند: بت هایی را می پرستیم و همواره ملازم پرستش آنها

هستیم. (۷۱)

قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكَ إِذْ تَدْعُونَ

گفت: آیا هنگامی که آنها را می خوانید، سخن شما را

می شنوند؟ (۷۲)

أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ

یا به شما سود و زیانی می رسانند؟ (۷۳)

قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ

گفتند: نه، بلکه پدرانمان را یافتیم که به این صورت عبادت

می کردند! (۷۴)

قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ

گفت: پس آیا می دانید که آنچه می پرستید، (۷۵)

أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ

هم شما و هم پدران پیشین شما (۷۶)

فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ

هم آنان قطعاً دشمن منند [چون اگر آنها را بپرستم، مرا دچار عذاب جاودانه خواهند کرد]، جز پروردگار جهانیان [که پرستیدنش مایه سعادت همیشگی و جاودانی است]. [(۷۷)

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ

همان کسی که مرا آفرید و هم او مرا هدایت می کند، (۷۸)

وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ

و آنکه او طعامم می دهد و سیرابم می کند (۷۹)

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ

و هنگامی که بیمار می شوم، او شفایم می دهد (۸۰)

وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ

و آنکه مرا می میراند سپس زنده ام می کند (۸۱)

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ

و آنکه امید دارم روز جزا خطایم را بر من ببامرزد. (۸۲)

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ

پروردگارا! به من حکمت بخش، و مرا به شایستگان ملحق

کن. (۸۳)

وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ

و برای من در آیندگان نامی نیک و ستایشی والا مرتبه قرار

ده، (۸۴)

وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ

و مرا از وارثان بهشت پر نعمت گردان، (۸۵)

وَاعْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ

و پدرم را ببامرز که او از گمراهان است، (۸۶)

وَلَا تُخْزِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ

و روزی که [مردگان] برانگیخته می شوند، رسوایم مکن؛

(۸۷)

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ

روزی که هیچ مال و اولادی سود نمی دهد، (۸۸)

إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

مگر کسی کہ دلی سالم [از رذایل و خباث] بہ پیشگاہ خدا

بیآورد، (۸۹)

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ

و آن روز بهشت را برای پرهیزکاران نزدیک آورند، (۹۰)

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ

و آتش برافروخته را برای گمراهان آشکار کنند، (۹۱)

وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ

و به آنان گویند: آنچه را می پرستیدید، کجایند؟ (۹۲)

مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكَ أَوْ يُنْتَصِرُونَ

[معبودانی را] به جای خدا؟! آیا شما را [برای رهایی از آتش]

یاری می دهند؟ یا از خود می توانند دفع عذاب کنند؟ (۹۳)

فَكُفِّرُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُونَ

پس آن بت ها و گمراهان [که آنها را می پرستیدند] به رو در

آتش افروخته افکنده می شوند، (۹۴)

وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ

با همه سپاهیان ابلیس، (۹۵)

قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ

در حالی که در آن [آتش افروخته] با هم ستیز و نزاع می کنند

[و به بتان] می گویند: (۹۶)

تَاللّٰهِ اِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

به خدا سوگند که ما در گمراهی آشکاری بودیم، (۹۷)

إِذْ نُسَوِّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

که شما را با پروردگار جهانیان برابر و مساوی قرار می دادیم،

(۹۸)

وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ

و ما را جز مجرمان [خائن] گمراه نکردند، (۹۹)

فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ

در نتیجه برای ما نه شفیعیانی است، (۱۰۰)

وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ

و نه یک دوست نزدیک و صمیمی، (۱۰۱)

فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

پس ای کاش برای ما بازگشتی [به دنیا] بود تا از مؤمنان

می شدیم. (۱۰۲)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً^ط وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

بی تردید در این سرگذشت، عبرتی بزرگ وجود دارد، و [قوم

ابراهیم] بیشترشان مؤمن نبودند، (۱۰۳)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهربان

است. (۱۰۴)

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ

قوم نوح پیامبران را تکذیب کردند، (۱۰۵)

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ

هنگامی که برادرشان نوح به آنان گفت: آیا [از سرانجام شرک و طغیان که خشم و عذاب خداست] نمی پرهیزید؟ (۱۰۶)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

بی تردید من برای شما فرستاده ای امینم، (۱۰۷)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید، (۱۰۸)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنِّي أَجْرِي إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ
الْعَالَمِينَ

و من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمی خواهم،
پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است، (۱۰۹)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید. (۱۱۰)

قَالُوا أَنْوْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَالُونَ

گفتند: آیا ما به تو ایمان بیاوریم در حالی که فرومایگان از تو

پیروی کرده اند؟! (۱۱۱)

قَالَ وَمَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

[نوح] گفت: مرا از آنچه آنان انجام می داده اند، چه

اطلاعی است؟ (۱۱۲)

إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّيٰ ۖ لَوْ تَشْعُرُونَ

حسابشان اگر واقعاً درک می کنید، جز بر عهده پروردگارم

نیست، (۱۱۳)

وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ

و من طرد کننده مؤمنان نخواهم بود، (۱۱۴)

إِن أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

من جز بیم دهنده ای آشکار نیستم. (۱۱۵)

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهَ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ

گفتند: ای نوح! اگر [از ابلاغ دین] باز نایستی، یقیناً از

سنگسار شدگان خواهی بود! (۱۱۶)

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ

گفت: پروردگارا! همانا قوم من مرا تکذیب کردند، (۱۱۷)

فَأَفْتَحُ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

پس میان من و آنان چنانکه سزاوار است داوری کن و من و کسانی که از مؤمنان با من هستند از چنگ آنان نجات ده. (۱۱۸)

فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ

پس او و کسانی را که با او در آن کشتی مملو [از سرنشینان،
جنبندگان، متاع و ابزار] بود نجات دادیم، (۱۱۹)

ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ

آن گاه بعد از آن، همه باقی ماندگان را غرق کردیم. (۱۲۰)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً^ط وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

بی تردید در این سرگذشت، عبرتی بزرگ وجود دارد، و [قوم

نوح] بیشترشان مؤمن نبودند، (۱۲۱)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهربان

است. (۱۲۲)

كَذَّبَتْ عَادَ الْمُرْسَلِينَ

قوم عاد پیامبران را تکذیب کردند، (۱۲۳)

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ

هنگامی که برادرشان هود به آنان گفت: آیا [از سرانجام شرک و طغیان که خشم و عذاب خداست] نمی پرهیزید؟ (۱۲۴)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

بی تردید من برای شما فرستاده ای امینم، (۱۲۵)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید، (۱۲۶)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنِّي أَجْرِي إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ
الْعَالَمِينَ

و من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمی خواهم،
پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است، (۱۲۷)

أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ

آیا شما بر روی هر مکان بلندی به بیهوده کاری و بدون نیاز،

برجی عظیم و برافراشته بنا می کنید؟ (۱۲۸)

وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ

و قلعه ها و کاخ های استوار و مجلل برمی گیرید، که شاید

جاودانه بمانید؟ (۱۲۹)

وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطْشَتُمْ جَبَّارِينَ

و چون کسی را با شدت و قهر می گیرید ظالمانه و زورمدارانه می

گیرید [بدون اینکه در عاقبت کار بیندیشید.] (۱۳۰)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید، (۱۳۱)

وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ

واز کسی که شما را به وسیله آنچه خود می دانید یاری داده،

پروا کنید، (۱۳۲)

أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ

به وسیله چهارپایان و فرزندان، به شما یاری داده است.

(۱۳۳)

وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

و [به وسیله] بوستان ها و چشمه سارها، (۱۳۴)

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

بی تردید من بر شما از عذاب روزی بزرگ می ترسم.

(۱۳۵)

قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ

گفتند: تو پند و اندرز دهی یا ندهی برای ما یکسان است!!

(۱۳۶)

إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ

این [پند و اندرزها و تقسیم امور به حلال و حرام] جز شیوه
پیشینیان [که اهل واپس گرایی و خرافات بودند] نیست، (۱۳۷)

وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ

و ما گرفتار عذابى [که تو ما را از آن بیم مى دهى] نخواهیم

شد. (۱۳۸)

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ
مُؤْمِنِينَ

پس او را تکذیب کردند، و در نتیجه هلاکشان کردیم. بی تردید
در این سرگذشت عبرتی بزرگ وجود دارد و [قوم هود] بیشترشان
مؤمن نبودند، (۱۳۹)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهربان

است. (۱۴۰)

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ

قوم ثمود پیامبران را تکذیب کردند، (۱۴۱)

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ

هنگامی که برادرشان صالح به آنان گفت: آیا [از سرانجام شرک و طغیان که خشم و عذاب خداست] نمی پرهیزید؟ (۱۴۲)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

بی تردید من برای شما فرستاده ای امینم، (۱۴۳)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید، (۱۴۴)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنِّي أَجْرِي إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ
الْعَالَمِينَ

و من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمی خواهم،
پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است، (۱۴۵)

أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ

آیا شما را در آنچه در این دنیا [از نعمت و رفاه هست] ایمن
و آسوده [از تغییر و زوال] رهایتان خواهند کرد؟! (۱۴۶)

فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

در بوستان ها و چشمه سارها، (۱۴۷)

وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ

و کشتزارها و درختان خرمایی که شکوفه هایشان انبوه و

باطراوت و لطیف است؟ (۱۴۸)

وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ

و ماهرانه و هنرمندانه از کوه ها خانه هایی می تراشید؟ [به
امید آنکه از هر آسیبی حتی مرگ در امان بمانید!!] (۱۴۹)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

بنابراین از خدا پروا کنید و مرا فرمان ببرید، (۱۵۰)

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ

و از فرمان اسراف گران اطاعت نکنید، (۱۵۱)

الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ

همانان که در زمین فساد می کنند و به اصلاح گری

نمی پردازند. (۱۵۲)

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ

گفتند: جز این نیست که تو از جادوشدگانی، (۱۵۳)

مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بَآيَةٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

تو جز بشری مانند ما نیستی، اگر راست می گویی معجزه

ای بیاور. (۱۵۴)

قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ

گفت: این ماده شتری است [که به اذن خدا به عنوان معجزه من از
دل کوه بیرون آمد] سهمی از آب [این چشمه] برای او، و سهم
روز معینی برای شماست، (۱۵۵)

وَلَا تَمَسُّوْهَا بِسُوْءٍ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ يَّوْمٍ عَظِيْمٍ

آسیبی به او نرسانید که عذاب روزی بزرگ شما را فرا

می گیرد. (۱۵۶)

فَعَقَرُوهَا فَاصْبَحُوا نَادِمِينَ

پس ناقه را پی کردند و [از کار خود] پشیمان شدند، (۱۵۷)

فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةًٌ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ
مُؤْمِنِينَ

در نتیجه عذاب آنان را فرا گرفت. بی تردید در این سرگذشت،
عبرتی بزرگ وجود دارد و [قوم صالح] بیشترشان مؤمن نبودند،

(۱۵۸)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و

مهرباناست. (۱۵۹)

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ

قوم لوط پیامبران را تکذیب کردند، (۱۶۰)

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ

هنگامی که که برادرشان لوط به آنان گفت: آیا [از سرانجام شرک و

طغیان که خشم و عذاب خداست] نمی پرهیزید؟ (۱۶۱)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

بی تردید من برای شما فرستاده ای امینم، (۱۶۲)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید، (۱۶۳)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنِّي أَجْرِي إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ
الْعَالَمِينَ

و من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمی خواهم،
پاداش من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است، (۱۶۴)

أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ

آیا شما از میان جهانیان با مردان آمیزش می کنید؟! (۱۶۵)

وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ ۚ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ
عَادُونَ

و آنچه را پروردگارتان برای شما از همسرانتان آفریده رها می کنید؟ [برای این کار زشت بی سابقه، دلیل و برهان استواری ندارید] بلکه شما گروهی تجاوزکار [از حدود خدا و مرزهای انسانیت] هستید. (۱۶۶)

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ

گفتند: ای لوط! اگر [از تبلیغ دین] باز نایستی، حتماً تبعید

خواهی شد. (۱۶۷)

قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ

[لوط] گفت: بی تردید من از کار زشت شما به شدت

متنفرم. (۱۶۸)

رَبِّ نَجِّي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

پروردگارا! مرا و خانواده ام را [از آثار، وزر و وبال] آنچه

انجام می دهند، نجات بده؛ (۱۶۹)

فَنَجِّينَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ

پس ما او و خانواده اش همگی را نجات دادیم، (۱۷۰)

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

مگر پیرزنی در [میان] باقی ماندگان، (۱۷۱)

تَمْ دَمَّرْنَا الْآخِرِينَ

سپس دیگران را نابود کردیم، (۱۷۲)

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا ۖ فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذِرِينَ

و بارانی از سنگ گل بر سر آنان بارانندیم؛ پس بد بود باران

بیم داده شدگان. (۱۷۳)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً^ط وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

بی تردید در این سرگذشت عبرتی بزرگ وجود دارد و قوم

لوط بیشترشان مؤمن نبودند، (۱۷۴)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهربان

است. (۱۷۵)

كَذَّبَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ

مردم آیکه پیامبران را تکذیب کردند، (۱۷۶)

إِذْ قَالَ لَهُمُ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ

هنگامی که شعیب به آنان گفت: آیا [از سرانجام شرک و طغیان که خشم و عذاب خداست] نمی پرهیزید؟ (۱۷۷)

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

بی تردید من برای شما فرستاده ای امینم، (۱۷۸)

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

بنابراین از خدا پروا کنید و از من فرمان ببرید، (۱۷۹)

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنِّي أَجْرِي إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ
الْعَالَمِينَ

من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمی خواهم، پاداش
من فقط بر عهده پروردگار جهانیان است، (۱۸۰)

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ

پیمانہ را کامل بدهید و از کم فروشان نباشید، (۱۸۱)

وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ

و [متاع و کالا را] با ترازوی درست وزن کنید، (۱۸۲)

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ
مُفْسِدِينَ

و از قیمت اشیا و اجناس مردم به هنگام خرید نگاهید، و در
زمین تباهاکارانه فتنه و آشوب برپا نکنید، (۱۸۳)

وَأَتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأُولَىٰ

و از آنکه شما و امت های پیشین را آفرید پروا کنید. (۱۸۴)

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ

گفتند: جز این نیست که تو از جادوشدگانی، (۱۸۵)

وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ

و تو جز بشری مانند ما نیستی، و بی تردید ما تو را از

دروغگویان می پنداریم، (۱۸۶)

فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

پس اگر راست می گویی پاره هایی از آسمان را بر ما فرو

ریز. (۱۸۷)

قَالَ رَبِّيَ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ

[شعیب] گفت: پروردگرم به آنچه انجام می دهید، داناتر

است. (۱۸۸)

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ
عَظِيمٍ

پس او را تکذیب کردند؛ در نتیجه عذاب روز سایبان [یعنی
روزی که ابری تیره و صاعقه از سایه می اندازد] آنان را فرا گرفت،
همانا آن عذاب روزی بزرگ بود، (۱۸۹)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً^ط وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

بی تردید در این سرگذشت، عبرتی بزرگ وجود دارد؛ و قوم

شعیب بیشترشان مؤمن نبودند، (۱۹۰)

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست ناپذیر و مهربان

است. (۱۹۱)

وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و بی تردید این قرآن، نازل شده پروردگار جهانیان است،

(۱۹۲)

نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ

که روح الامین آن را نازل کرده است، (۱۹۳)

عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ

بر قلب تو، تا از بیم دهندگان باشی، (۱۹۴)

بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ

به زبان عربی روشن و گویا (۱۹۵)

وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ

و بی تردید [خبر] این [قرآن] در کتاب های پیشینان است.

(۱۹۶)

أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ

آیا آگاهی دانشمندان بنی اسرائیل به خبر قرآن [در کتاب های پیشینان] برای مشرکان نشانه ای [بر حَقَّانیت قرآن و صدق نبوت تو] نیست؟! (۱۹۷)

وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ

و اگر آن را بر برخی از غیر عرب ها نازل کرده بودیم، (۱۹۸)

فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ

و او آن را بر عرب ها می خواند، باز هم به آن ایمان

نمی آوردند!! (۱۹۹)

كَذٰلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوْبِ الْمُجْرِمِيْنَ

این گونه [که آن را به زبان عربی روشن و گویا نازل کردیم] در دل
های مجرمان درآوردیم [که آن را بفهمند و به آن ایمان آورند،]

(۲۰۰)

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

[ولی این بیمار دلان لجوج] به آن ایمان نمی آورند تا آن

عذاب دردناک را ببینند، (۲۰۱)

فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

که ناگهان در حالی که بی خبرند به سراغشان آید، (۲۰۲)

فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنْظَرُونَ

پس [در آن موقعیت بسیار سخت] گویند: آیا ما مهلت

می یابیم؟ (۲۰۳)

أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ

آیا به آمدن عذاب ما شتاب می کنند؟ (۲۰۴)

أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ

پس خبر ده اگر ما آنان را سالیانی بهره مندی و برخورداری

دهیم، (۲۰۵)

ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ

سپس آن عذابی که به آن تهدید می شدند، به سراغشان آید.

(۲۰۶)

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَعُونَ

آنچه را [چند سال] همواره از آن برخوردار می یافتند

[عذاب را] از آنان دفع نخواهد کرد، (۲۰۷)

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ

و [مردم] هیچ شهری را نابود نکردیم مگر آنکه بیم

دهندگان برای آنان بود، (۲۰۸)

ذِكْرِيٰ وَمَا كُنَّا ظَالِمِيْنَ

برای اندرز دادن و اتمام حجت؛ و ما هرگز ستمکار نبوده ایم
[که مردمی را بدون فرستادن پیامبر نابود کنیم.] (۲۰۹)

وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ

قرآن را شیطان ها نازل نکرده اند، (۲۱۰)

وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ

و [نزول قرآن] سزاوار آنان نیست، و قدرت [وحی کردن

چنین کتابی را] ندارند، (۲۱۱)

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعَزُونَ

بی تردید آنان از شنیدن [وحی الهی و اخبار ملکوتی]

محروم و برکنارند. (۲۱۲)

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذِّبِينَ

پس با خدا معبودی دیگر را میپرست، که از عذاب شدگان

خواهی شد. (۲۱۳)

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ

و خویشان نزدیکت را [از عاقبت اعمال زشت] هشدار ده،

(۲۱۴)

وَإخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

و پر و بال [فروتنی و تواضع] خود را برای مؤمنانی که از تو

پیروی می کنند بگستر، (۲۱۵)

فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ

پس اگر تو را نافرمانی کردند بگو: من از آنچه انجام

می‌دهید، بیزارم؛ (۲۱۶)

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

و بر توانای شکست ناپذیر مهربان توکل کن، (۲۱۷)

الَّذِي يَرَاكَ حِينَ تَقُومُ

هم او که تو را هنگامی که [برای عبادت] می ایستی،

می بیند، (۲۱۸)

وَتَقَلُّبِكَ فِي السَّاجِدِينَ

و گردش و حرکت تو را در میان سجده کنندگان [مشاهده

می کند،] (۲۱۹)

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

یقیناً او شنوا و داناست. (۲۲۰)

هَلْ أَنْبَأُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنْزَلُ الشَّيَاطِينُ

آیا شما را خبر دهم که شیطان ها بر چه کسانی نازل

می شوند؟ (۲۲۱)

تَنْزَلُ عَلَيَّ كُلَّ آفَاكٍ أَثِيمٍ

بر هر دروغ پرداز گنه پیشه ای نازل می شوند، (۲۲۲)

يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ

که گوش [بر القائنات و اغواگری های شیطان] می سپرند، و

بیشتر شیطان ها دروغگویند، (۲۲۳)

وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ

و [پیامبر، شاعر و خیال پرداز نیست، چون] شاعران [خیال پرداز] را [که حقایق را هجو می کنند، و با مطالب بی اساس به واقعیات می تازند] گمراهان، پیروی می کنند. (۲۲۴)

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ

آیا ندانسته ای که آنان در هر وادی [باطلی خیال پردازانه]

حیران و سرگردانند؟ (۲۲۵)

وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ

و مطالبی می گویند که خود عمل نمی کنند، (۲۲۶)

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا
وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا ۗ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ
مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ

مگر آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند و خدا را بسیار یاد کردند و پس از آنکه [با شعرهای باطل دشمنان، هجوئیات مشرکان و یاوه های کافران] مورد ستم قرار گرفتند [با شعرهای توحیدی و اصیل و استوار خود] به انتقام گرفتن [از دشمن و دفاع از خویش] برخاستند، و کسانی که ستم کرده اند، به زودی خواهند دانست که به چه بازگشت گاهی باز خواهند گشت؟! (۲۲۷)